



جامعه بدون علم جامعه مرده ای است / اسلام بیشتر از ادیان دیگر به علم بها داده است

یک استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی با اشاره به اینکه دین اسلام بیشتر از سایر ادیان به علم بها داده گفت: در مقایسه با مال و ثروت هم علم ارزش خود را دارد، اما ما باید آن را نگه داریم. تکیه گاه جامعه در بینش دینی ما علم است.

یک استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی با اشاره به اینکه دین اسلام بیشتر از سایر ادیان به علم بها داده گفت: در مقایسه با مال و ثروت هم علم ارزش خود را دارد، اما ما باید آن را نگه داریم. تکیه گاه جامعه در بینش دینی ما علم است.

دکتر قاسم پورحسن در گفتگو با خبرنگار مهر، در مورد اینکه چرا با وجود سفارش اکید دین اسلام بر دانش و دانستن، مطالعه کردن را به صورت فرهنگ در نیاورده ایم و متوسط مطالعه مردم در جامعه ما کم است، گفت: معمولا وقتی نمایشگاه کتاب برپا می شود یادمان می افتد که چیزی به نام کتاب و مطالعه هم است. نه کتاب را و نه مسئله ای به نام مطالعه و دانستن و تحقیق و پژوهش را جدی گرفته ایم. این مسئله فقط مربوط به عموم جامعه نیست؛ طبقه تحصیل کرده ما هم کتاب را فراموش کرده اند.

وی افزود: هیچ یک از کشورهای توسعه یافته، وضعی که ما درباره کتاب داریم ندارند. یعنی اینگونه نیست که کتاب را فصلی، سالی ببینند و یکی دو کتاب در سال خریداری کنند. دانشجویان ما حتی در مقطع کارشناسی ارشد حاضر نیستند چند کتاب به عنوان مطالعات جنبی دروسشان مطالعه کنند. کتاب های درسی را با اکراه می خردند. اینجا اشکالی وجود دارد. کتاب جایگاهی در زندگی ما ندارد. داریم خوشبینانه آمار سرانه کتاب را می دهیم. هیچ کدام از این آمارها واقعیت را بیان نمی کنند.

دکتر قاسم پورحسن تصریح کرد: کتاب ارزش و ارجی نزد ما ندارد. البته این مسئله می تواند دلایل بیرونی هم داشته باشد. اما ما با کتاب و مطالعه و خواندن و جستجوگری مأئوس نیستیم. مدرک زدگی دلیل دیگری برای عدم مطالعه است. مدرک گرایی هم نباشد آن شوقی که باید جستجوگری، پژوهش، کنکاش، کتاب خواندن و مطالعه کردن داشته باشد نزد ما وجود ندارد.

این نویسنده و مترجم آثار فلسفی عنوان کرد: یک دلیل این مسئله این است که علم در جامعه ما نزول کرده است؛ افراد اهل علم، دانشگاهیان و استادان دانشگاه ارجی ندارند. اهمیتی به آنها داده نمی شود. آنها نقشی در جامعه ندارند. کسی نظر آنها را نمی پرسد. وقتی که نخبگان نقشی در تحول جامعه ایفا نکنند مردم هم به نخبگان می نگرند نخبگان الگویشان هستند و آنها را که می بینند مردم هم بی میل می شوند. یعنی وقتی دانشجویان می بینند که اساتیدشان نقشی در جامعه ندارند آنها هم بی رغبت به دانش و دانستن می شوند.

این محقق و پژوهشگر حوزه فلسفه یادآور شد: تا زمانی که جایگاه اهل علم در جامعه ما از بسیاری از صنوف دیگری که هیچ خدمتی برای کشور ندارند پایین تر باشد؛ نباید انتظار داشته باشیم دانشجویانمان سراغ کتاب و دانستن بروند. باید این مشکل جدی را حل کنیم. باید آن جایگاه، ارزش و اهمیت و ارجمندی علم و صاحبان علم را قائل شویم. ما صاحبان علم را عزیز نمی شماریم. به آنها قدر نمی دهیم. آنها سهمی در جامعه ندارند. این مسئله یک مشکل بزرگی است. ما به نخبگان نقشی نمی دهیم و اگر می دهیم کاملا حاشیه ای است. این یک مسئله مهم است. این مسئله را باید از این زاویه دید که چرا علم جایگاه ارجمندی در جامعه ندارد؛ به اینکه چرا به صاحبان علم ارج نمی دهیم.

این محقق و پژوهشگر مسائل فرهنگی در مورد اینکه چگونه می توان فرهنگ مطالعه را وارد سبک زندگی افراد جامعه کرد، گفت: علم و آگاهی و دانستن برای همه ادیان و مکاتب از اهمیت خاصی برخوردار است. اما متفکران اسلامی مانند علامه طباطبائی و شهید مطهری معتقد هستند که هیچ دینی به اندازه دین اسلام به علم ارزش نداده است. می توانیم با این مسئله موافقت کنیم اما نباید به معنای خوشبینی باشد و انکار کنیم که سایر مکاتب به علم اهمیت نمی دهند یا نداده اند.

استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی افزود: در بسیاری از آیات و روایات ما مسئله دانستن و آگاهی تأکید شده است. قوام آدمی هم بر آن است. شعرا و حکما و متفکران ما همه ارزش انسان را به اندیشه ورزی او دانسته اند. چرا به چنین وضعی دچار شده ایم؛ یک علت را گفتیم که علتی جامعه شناسانه و خیلی مهم است. یک علت هم به ریشه های تاریخی برمی گردد. یعنی ما در ایران در برهه های متأخر نسبت به علم، آن تأکیداتی که دین عنوان کرده را جدی نگرفتیم. تلقی ما این بود که تأکیدات دینی صرفا از باب نصیحت و پند است؛ درحالی که تأکید دینی این بود که قوام و اساس و شالوده جامعه سالم و صحیح و مبتنی بر فضیلت علم و آگاهی است.

این استاد دانشگاه علامه طباطبائی بیان کرد: در فرمایشات امیرالمومنین (ع) است که علم، جامعه و انسان را نگه می دارد. در مقایسه با مال و ثروت هم علم ارزش خود را دارد. اما ما باید آن را نگه داریم. تکیه گاه جامعه در بینش دینی ما علم است. آن تکیه گاه به معنای سیرت جامعه است. تلقی ما این بوده که پند و نصیحتی شده و آن را عده ای از علما و حکما رعایت می کنند. اما اهمیت این مسئله برای جامعه بدرستی روشن نشده است. جامعه ای که توجه به علم نکند جامعه مرده ای است و نمی تواند زنده بماند. جامعه ای که به تدریج از کتاب دور می شود به تدریج به سوی مرگ می رود. این مسئله از همه متون دینی ما قابل برداشت است. بنابراین، این تأکیدات دینی نشانگر آن است که باید فهم مجددی درباره علم و دانستن به وجود آوریم. تنها این تأکیدات را به عنوان پند و نصیحت تلقی نکنیم باید بدانیم که اساس جامعه به علم است. آینده جامعه هم به علم است. جامعه بی علم جامعه بی افقی خواهد بود که به سوی مرگ پیش خواهد رفت.